

آینه

جمهوری اسلامی

تقویت پشتوانه مردمی نظام راه مقابله با زیاده‌خواهان

● سازوکار برجام به‌گونه‌ای است که حتی اگر مشکلات بزرگ‌تری نیز بر سر راه اجرای آن پدید آید، ایران می‌تواند به نقطه آغاز برگردد و تمام اقدامات لازم را برای ادامه فعالیت‌های هسته‌ای انجام دهد. به همین دلیل است که در توصیف برجام همواره در داخل و خارج گفته شده این یک توافق برد - برد است و این‌طور نیست که به نفع یک طرف و به ضرر طرف دیگر باشد. نقطه قوت برجام در این است که نشان داد می‌توان مهم‌ترین مناقشات جهان را با مذاکره به توافق منجر کرد و مانع تشنج شد. به همین دلیل، اگر یکی از اطراف برجام به تعهدات خود عمل نکنند نزد افکار عمومی جهانیان محکوم و مطرود خواهد شد. طبیعی است که اگر جمهوری‌خواهان در آمریکا برجام را نقض کنند دچار همین وضعیت خواهند شد به‌طوری‌که حتی متحدان اروپایی خود را نیز از دست خواهند داد. با توجه به این واقعیت‌ها، برای ما به عنوان ملتی که چهار دهه در برابر زورگویی‌های قدرت‌های استکباری ایستاده‌ایم و استقلال و شرافت خود را حفظ کرده‌ایم، اکنون وظایفی وجود دارد که باید به آنها عمل کنیم تا بتوانیم به مسیری که برای حفاظت از دستاوردهای انقلاب اسلامی از جمله برجام در پیش‌رو داریم ادامه دهیم. ما برای وادارکردن آمریکا به انجام تعهداتش به وحدت کلمه نیاز داریم. همان چیزی که انقلاب اسلامی را به پیروزی رساند و در دفاع مقدس نیز ما را بر دشمنان‌مان چیره ساخت. جلوگیری از هدررفتن امکانات، وقت‌ها و نیروها و به‌کارگرفتن آنها در ارتقای امور اصلی و اساسی و پرهیز از مشغول‌کردن آنها به امور فرعی و حاشیه‌ای، وظیفه مهم دیگری است که اگر به‌درستی انجام شود، قدرت ملی ما را مضاعف می‌نماید. هوشیاری در برابر اختلاف‌افکنی‌ها و مقابله با حرمت‌شکنی‌ها و فرصت‌طلبی‌ها که عامل مهمی در مقابله با سلب اعتماد مردم به نظام است، از دیگر وظایفی است که در این مقطع حساس باید به آن عمل شود. اینها عواملی هستند که می‌توانند زمینه را برای عملی‌شدن آرمان بلند رسیدن به اقتصاد مقاومتی هموار نمایند و این ملت مقاوم را در تمام زمینه‌های لازم برای ایستادگی در برابر سلطه‌طلبان مجهز سازند. ما به همان میزان که برای شناساندن دشمن به مردم و گوشزدکردن خطر دشمن خارجی حرف می‌زنیم و تلاش می‌کنیم، برای دورساختن جامعه از تفرقه، بدبینی، تهمت، بد اخلاقی، دروغ و حرمت‌شکنی هم باید تلاش کنیم تا بتوانیم پشتوانه مردمی نظام برای مقابله با دشمنان را تقویت کنیم. این واقعیت تلخ را بپذیریم که مسئولان و مربیان، در این زمینه به وظیفه خود عمل نمی‌کنند و اگر خسرانی متوجه جامعه باشد از این ناحیه است.

ایران

پیام‌های راهپیمایی اربعین

سیدرضا صالحی‌امیری، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی: پیام راهپیمایی عظیم اربعین این است که امت واحده مرعوب هیچ‌یک از توطئه‌های ضداسلامی نمی‌شود و برخلاف تصویرسازی‌های دروغین و فرانت‌های متصلبانه و متحجرانه، مسلمانان مروج صلح، دوستی و وحدت میان انسان‌ها هستند. راهپیمایی اربعین معادلات سیاسی منطقه را تحت تأثیر خود قرار داده و جهانیان در محاسبات سیاسی و امنیتی باید بدانند که امنیت واقعی در قالب این نگرش قابل فهم است. جای اعتماد است که رسانه‌های بین‌المللی و جهانی نسبت به انعکاس و بازتاب این سیل خروشان مردمی، وظیفه حرفه‌ای خود را فراموش کرده و جای تردیدی باقی نمی‌گذارند که در انعکاس اخبار تحت تأثیر جریان‌هایی هستند که نمی‌خواهند فعالیت‌های جهانی‌نشان نشان داده شود. قرار باید اخبار ترور و خشونت و جنایت برخی افراد به نام اسلام در صدر خبرهای این رسانه‌ها قرار بگیرد و تصویر بزرگ‌ترین گردهمایی بشری با امنیت کم‌نظیر، بلکه بی‌نظیر و پیام صلح‌طلبانه و اتحاد و انسجام مسلمانان در اربعین حذف شود؟ افکار عمومی سؤال می‌کنند که چرا این رویداد مهم که جلوه بی‌سابقه‌ای از رواداری و تعامل مذهبی است، در صدر اخبار رسانه‌های غربی قرار ندارد؟ جمهوری اسلامی ایران توانمندی، انسجام و اقتدار خود را در منطقه به اثبات رسانده و جای تعجب است که برخی کشورها هنوز نمی‌خواهند این واقعیت را بپذیرند. پیام روشن ما به آنها این است که چشم‌های خود را باز کرده و آنها نیز به صفوف پیوسته و منسجم امت اسلام بپیوندند تا با تقویت پیوندهای دینی و برادری میان خود دست در دست یکدیگر، مشکلات جهان اسلام را برطرف کنیم و چهره زشت خشونت و ترور را از سیمای منطقه پاک کنیم. راهپیمایی میلیونی اربعین، جوهر حرکت دینی جامعه ایران به سمت جلوه‌های تعالی است و باید قدردان این حرکت عظیم و خیل عاشقانی باشیم که همگی بی‌هیچ تمایزی با وجود مخاطرات و مشقات تنها با یک کوله‌پشتی، در یک جهت واحد و به سمت نقطه‌ای واحد حرکت می‌کنند.

کا مواضع و اظهارنظرهای مختلف شما را در حوزه‌های مختلف می‌بینیم. **ولسی** درباره خود **سردار** نقدی اطلاعات زیادی وجود ندارد و پیدا نمی‌شود. **قصد** داریم زندگی خودتان را مرور کنیم. **کجا** به دنیا آمدید؟

خیابان وحدت اسلامی تهران، شاپور سابق، خانه ما در یک کوچه بن‌بست پایین‌تر از حمام عمومی به نام سیروس بود که پایین‌تر از میدان بود. مدتی هم در محدوده خود میدان بودیم. ما اجاره‌نشین بودیم و خانه‌مان ثابت نبود.

کا **پدرتان چه شغلی داشتند؟**

بازاری بودند.

کا **در چه صنفی مشغول بودند؟**

حجره داشتند؛ تاجر بودند. کشاورزی می‌کردند و با همان کشاورزی، تجارت می‌کردند؛ البته نه تجارت توسعه‌یافته.

کا **چه محصولی می‌کاشتند؟**

پسته؛ ما اصالتاً یزدی هستیم. خیابان سلمان، پشت میرچمخاق.

کا **پدرتان چه زمانی به تهران آمدند؟**

پدر من در یزد به دنیا آمدند و بزرگ شدند. وقتی پدرشان فوت کرد، ایشان تصمیم گرفتند بروند کربلا مجاور شوند. مدتی آنجا رفتند و دیدند رفتار دولت در آنجا تحقیرآمیز و عرصه تنگ بود. البته ایرانی آن زمان آنجا زیاد بود. سمران‌جام سال ۳۰۸ تصمیم گرفتند به ایران بیایند.

کا **پس این شایعه‌ای که می‌گویند شما متولد نجف هستید، به خاطر همین است که پدرتان مدتی عراق بودند؟**

بله؛ ایشان پس از بازگشت به ایران دیگر به یزد نرفتند و تصمیم گرفتند به تهران بیایند. بازاری‌های قدیمی و پیرمردهای بازار ایشان را می‌شناختند. البته نسل آنها دیگر تمام شده‌اند؛ من هم در بازار شاگرد بودم. خانه‌مان هم حدوداً ۳۰۰ متر پایین‌تر از میدان وحدت اسلامی بود. اسم کوچه را یادم رفته. البته خانه‌مان را عوض می‌کردیم ولی کلا همان حول و حوش میدان وحدت اسلامی بودیم.

کا **چند خواهر و برادر دارید؟**

چهار برادر و خواهر بزرگ‌تر و چهار خواهر و برادر هم کوچک‌تر.

کا **کدام مدرسه تحصیل کردید؟**

از اول دبستان تا آخر دبیرستان در یک مدرسه بودم که نامش «قدس» در خیابان منیریه بود. منیریه نام همسر ناصرالدین شاه یا محمدعلی شاه بوده. نمی‌دانم ساختمان آن مدرسه وقف بود یا کسی گرفته بود؛ در آن تیغه کشیده بودند و به مدرسه تبدیل شده بود. اما آن مدرسه هم در همان حوالی جابه‌جا می‌شد. مثلاً دبستان فلان ساختمان بود، اواسط دبیرستان جابه‌جا شدیم و آخر دبیرستان برگشتیم همان‌جا.

کا **به نظر می‌رسد مدرسه مذهبی بوده. در هیأت‌امای مدرسه افراد شناخته‌شده‌ای بودند که خاطرات باشد؟**

بله؛ افراد شناخته‌شده و انقلابی بودند؛ مثل آقای صمدزاده و آقای بکایی. دو سال پیش [برای سخنرانی] رفته بودم بسیج دانشجویی، بعد دیدم یکی از بچه‌های بسیج دانشجویی دانشگاه تهران گفت من نوه آقای بکایی هستم. آقای یزدانی معلم کلاس اولم بود که چند سال است قصد کرده‌ام به منزلشان بروم. یک بار در یک مسجد سخنرانی داشتم، بعد از سخنرانی آقای‌ی جلو آمدند و من را شناختند و گفتند من معلم کلاس اول شما هستم. بعد دیدم خودش است. البته من قبل از اینکه بگویم، شناختمش. چون چهره‌اش حفظ شده.

کا **از بچه‌های مدرسه و هم‌کلاسی‌هایتان کسی بوده که وارد کارها و مبارزات انقلاب شود؟**
بله؛ آقای جعفری‌جلوه که در صداوسیم‌ا هستند، هم‌کلاسی ما بودند. آقای روغنی‌ها که مدیرمسئول روزنامه ایران بود. دو سال بالاتر از ما بودند.

کا **رشته‌تان در دبیرستان چه بود؟**

ریاضی خواندم.

کا **شما سه سال در یک سال خواندید. درست است؟**

بله؛ قرار بود اولین دوره راهنمایی راه‌اندازی شود. یعنی سالی که چهارم دبستان می‌رفتم، دوره راهنمایی داشت راه‌اندازی می‌شد. معلم‌های من گاهی اوقات می‌خواستند به بچه‌های سال‌های بالاتر، بگویند چرا درس نمی‌خوانید، من را می‌بردند سر دو کلاس بالاتر، مسئله و سؤال را حل می‌کردم. البته بعدش همین مورد باعث شد نتوانم در راه استعدادم رشد کنم.

کا **چرا؟**

خب خیلی فشرده شد. یک‌دفعه به دبیرستان رفتم که همه هیکل‌ها درشت بود و من میان آنها کوچک بودم. اگر اجازه می‌دادند به روال عادی تحصیل کنیم، شاید در حوزه علمی افتادی دیگری برایم می‌افتاد. ولی خب نشد.

کا **پیشنهاد چه کسی بود؟**

معلم‌ها به پدرم فشار آوردند که دوره راهنمایی تجربه نشده است و معلوم نیست چه شود و اینها. می‌گفتند بهتر است بچه در همان دوره‌ای که تجربه شده و جا افتاده است، تحصیل کند. آنها پیشنهاد دادند و اصرار کردند.

کا **پدرتان چقدر سواد داشتند؟**

پدر من تا دبستان خوانده بودند ولی فرد فرهیخته‌ای بودند. علت اینکه درس را ادامه نداده بودند، این بود که زمان رضاخان، دستور داده بودند در مدارس باید شلوارک بپوشند. ایشان هم جلوی پدربزرگ من این کار را نمی‌کردند که با شلوارک بیرون

سیاست



عکس: امیر خدینجی، شرق

گفت‌وگو با فرمانده سازمان بسیج

سردار نقدی به روایت نقدی

مازیار خسروی - محمدحسن نجمی

شب قبل از مصاحبه در حال جست‌وجو بودیم؛ وقتی نامش را به اصطلاح «گوگل» کردیم، جز مواضع سیاسی و سخنرانی‌ها، تنها به یک متن مختصر سه‌صفحه‌ای درباره زندگی او رسیدیم. فردا ظهر با همان سه‌صفحه به سازمان بسیج مستضعفین در بزرگراه بسیج رفتیم. تازه از نشست خبری آمده بود؛ دقایقی گذشت و به دفتر فرماندهی رفتیم. لبخند می‌زد و چغیه همیشگی را بر گردن داشت. بالای میز نشست و ما در دو طرفش. سه‌صفحه‌ای را که چاپ کرده بودیم، به دستش دادیم و گفتیم مواضع فرمانده بسیج آن قدر سانه‌ای هست که برای افکار عمومی شناخته‌شده باشد؛ امروز می‌خواهیم از محمدرضا نقدی بشنویم. عینکش را خواست، به چشم زد و نوشته‌های ریز را مرور کرد. لبخندی زد و به اصرار ما قبول کرد. گفت‌وگو دقیقاً دو ساعت طول کشید. کم‌رکش مصاحبه‌گفتند که وقت تمام است، اما با مساعدت فرمانده بسیج ادامه دادیم. امروز بخش نخست از این دو ساعت را می‌خوانید؛ یعنی «از تولد در خیابان شاپور تا مبارزه در بوسنی».

درگیری‌های قم حضور داشتیم یا نوار و اطلاعاتی می‌بردیم.

کا **بهنم چطور؟**

رشت بودم. آنجا اتفاقات مهمی افتاد؛ مثلاً امروز با شلوارک به مدرسه می‌روی، فردا هم معذرت می‌خواهم، ایستاده قضای حاجت می‌کنی و پس‌فردا هم فلان و گفتند که کلا نمی‌خواهد

مدرسه بروی. اما ایشان بسیار اهل مطالعه و فرهیخته بودند. ایشان بین صف خودشان خیلی مورد احترام و مرجع اجتماعت بودند. پدرم خاطره‌ای هم درباره حجاب دارند که حیف شد مستند نشد. در روستای لطف‌آباد که بودند، نهر آبی وجود داشت که الان دیگر نیست. می‌گفتند با چشم خودم دیدم که دختربچه‌ای از تنور نان گرفته و نان را روی سر خودش گذاشته بود. وقتی خواست از نهر آب بپرد، ژاندارمی که آنجا بود، چارقد دختربچه را کشید که نباید چارقد بپوشد. سنجاق‌قفلی چارقد به گلولی دختربچه فرو رفت و خون پاشید بیرون. می‌گفتند این صحنه را دیدم که با بحاجاب این‌گونه رفتار می‌کردند. دربارۀ روضه‌خوانی‌ها می‌گفتند ایشان نگهبان جلسات روضه بودند که اگر آژان آمد، ایشان خبر بدهند.

کا **مادر سواد داشتند؟**

سواد خواندن و نوشتن داشت.

کا **خب شما در حدود ۱۶ سالگی وارد دانشگاه کیلان می‌شوید. چه رشته‌ای قبول شدید؟**

ریاضی محض. آنجا دانشگاه آلمانی‌ها بود؛ مانند دانشگاه آمریکایی‌های شیراز که به زبان انگلیسی بود. آنجا تهر راه افتاده بود و زبانش هم آلمانی بود. فکر کنم، اولین دوره آن دانشگاه ما بودیم. بعد از آن سه سال جهشی خواندن، نتوانستم جای علمی خودم را پیدا کنم.

کا **بعد از آن، دوران تحصیل‌تان به زمان انقلاب می‌خورد. از هم‌کلاسی‌هایتان افرادی که در جریان مبارزات انقلاب بودند، خاطراتان هست؟**

بله؛ ما تیمی بودیم که هسته مرکزی انجمن اسلامی آنجا بودیم و آن را پایه‌گذاری کردیم. یکی از آنها، شهید طباطبائی بود که پس از آن، طلبگی خواند و در جبهه شهید شد. دیگری آقای افتخاری بود که پسر آیت‌الله افتخاری بودند.

ما سه نفر، هسته مرکزی بودیم که انجمن اسلامی را درست کردیم. آن زمان همه گروه‌ها بودند؛ کمونیست چینی، کمونیست آلبانی، کمونیست روسی و... . خب عناصری هم از روسیه وارد می‌شدند و انجمن اسلامی ما خیلی غریبانه بود!

کا **آنجا یک پسر ۱۶، ۱۷ ساله را جدی می‌گرفتند؟**
به‌خصوصیات آدم‌ها بستگی دارد. ما انجمن اسلامی را پایه گذاشتیم. بعضی روزها یک حلقه بعدی وجود داشت که هفت، هشت نفره بودند و حلقه بعدی آن ۴۰، ۴۰ نفره. جمعیتی بودند که تقریباً برنامه‌های انقلاب را در داخل شهر، تحت‌تأثیر قرار می‌داد؛ حرکات انقلابی که در رشت شد.

کا **روز ۱۲ بهمن کجا بودید؟**

بهشت زهر بودم؛ جزء کمیته استقبالی بودم. از طریق بچه‌های مسجد محلمان وصل شده بودم. من برای دیدن خانواده به تهران رفت‌وآمد داشتم؛ مثلاً برای راهپیمایی ۱۶ شهریور، به تهران آمدم؛ اما چون آخر راهپیمایی شهید بهشتی پشت بلندگو گفتند راهپیمایی برای ما نیست، برای همین، روز ۱۷ شهریور ماشین گرفتیم و راهی رشت شدیم. بعضی روز‌ها هم در قم بودم. با آقای افتخاری در برخی خیر؛ بلد نبودیم، ولی آنجا رسمی با ما کار کردند

و یاد گرفتیم و آنجا ماندیم.

کا **واقعاً حمله‌ای رخ داد؟ چون جایی نوشته نشده.**

خیر؛ حمله رخ نداد. مدام می‌گفتند خبر می‌آید و مراقب باشید. دو روز شد و گفتیم حمله نشد، ما برویم. گفتند نه، قرار است به آستارا حمله کنند. یک ستون خودرو و نیرو تا آستارا رفتیم. آنجا هم‌رز با شوروی بود و همه نگران بودند. آنجا هم چند روز بودیم و خبری نشد. گفتند چون نیروهایمان کم است، باید چند روز بمانید. ما هم گفتیم حالا که اینجا هستیم، لااقل وسایل و امکانات بدهید که کار فرهنگی‌مان را بکنیم. ما هم شروع کردیم و مسئول فرهنگی سپاه کیلان شدم.

کا **فکر می‌کردید نظامی شوید؟**

نه؛ اصلاً در فکرم نبود.

کا **بعد در کیلان ماندگار شدید؟**

بعد از آن هی می‌گفتند تکلیف است، ما هم باید عمل می‌کردیم. درس هم نیمه‌کاره را شه شد، تا بعد از جنگ در شه‌های نظامی ادامه دادم.

کا **پس سال ۵۹ در رشت بودید.**

آنجا رئیس ستاد شدم. مدتی هم در اطلاعات سپاه کیلان بودم. چون آن موقع تحرکات منافقین و گروه‌های چریک فدایی در جنگل شروع شده بود. با شهید انصاری (استاندار وقت کیلان) خیلی رفیق بودم. ایشان یکی از مدیران بسیجی واقعی بود. او تحصیل‌کرده آمریکا و مانند شهید چمران بود که متأسفانه زیاد شناخته نشد و منافقین ایشان را ترور کردند. ایشان اشک من را هم درآوردند و گفتند تکلیف است که باید مسئولیت اطلاعات سپاه را بگیری. حالا من اصلاً نمی‌دانستم اطلاعات چی هست؛ کیلان هم شرایط حساسی داشت که اگر به آن توجه نمی‌شد، می‌توانست مشکلات جدی به وجود بیاید. بعد از آن رئیس ستاد سپاه شدم و بعدش بنا به تکلیف و این حرف‌ها در منطقه سه که کیلان و مازندران بود، جانشین اطلاعات سپاه آن منطقه شدم. شهید طهرانی‌مقدم آنجا مسئول بود.

کا **از نشریه رزم عبور که به‌تازگی ویژه منافقین چاپ شد، درباره همین منطقه سه نوشته بود که منافقین تا وقتی که وارد مقر سپاه هم شده بودند متوجه نشدند که فریب خوردند.**

بله؛ بچه‌ها با وجود اینکه سن‌وسالشان کم بود، کارهایشان معجزه‌آسا بود. چون ساواک هم منحل شده بود و کشور اطلاعات داشت. همه بچه‌ها دانشجو بودند و تحصیلات امنیتی نداشتند. پرونده‌های ساواک را مطالعه کرده بودند که چطور تعقیب و مراقبت می‌کنند و از آنجا یک چیزهایی یاد گرفته بودند؛ یا اینکه مثلاً چگونه بازجویی می‌کنند.

کا **شما خودتان هم مطالعه می‌کردید؟**

ما تجربی یاد گرفتیم. خب هیچ چیزی بلد نبودیم. حالا چون در مبارزه بودیم، تعقیب و مراقبت و اینکه چگونه مخفی‌سازی کنیم و اینها را یاد گرفته بودیم. ما از سمت خودمان را بلد بودیم. از سمت آنها را بلد نبودیم که باید چه‌کار کنیم. با کسی که ورزیده بود، قابل مقایسه نبودیم. همان معجزاتی که در جنگ اتفاق افتاد، همین‌جا هم بود. اتفاقات بزرگی ازسوی بچه‌ها رخ داد؛ مثلاً «تقی روحانی» رهبر پیکار بود و ۱۳ سال در زمان شاه زندگی مخفی داشت.

کا **تقی شهرام را می‌گویند؟**

نه؛ «تقی روحانی» ۱۳ سال زندگی مخفی داشت. ولی یک بچه ۱۶ساله او را تعقیب و مراقبت می‌کرد. او را در تهران گرفتند. وقتی بازداشت شد، همه را لو داد و گفت شما یک چیز دیگری هستید. تعقیب و مراقبت او واقعاً یک الهام خدایی بود؛ مثلاً در تعقیب رفته بود در نانواایی، برای اینکه معلوم نشود، سوسولش از جو زده و وارد نانواایی شده بود و نان هم به او تعارف زد یا مثلاً خود کیانوری که خواست بازجویی شود، بازجویی یک دانشجو بود و جای نوه کیانوری بود. اول بازجویی کیانوری به او گفت که چی زیر لب می‌گویی برای خودت؟ که او هم جواب داد من دارم سوره «حمد» می‌خوانم که خدا من را بر تو پیروز کند. کیانوری به او می‌گوید: «من همه‌چیز را به دلو می‌گویم، نیازی به این کارها نیست. من فکر می‌کردم شماها آمریکایی هستید و آمریکایی‌ها و ساواکی‌ها می‌آیند از من بازجویی می‌کنند. شما این‌طور هستید؟» یا مثلاً «طبری» که تئورسین کمونیسم بین‌الملل بود، در دست همین بچه‌ها توبه کرد و در رد کمونیسم کتاب نوشت. شبکه منافقین را بچه‌های ۱۶ تا ۲۴، ۲۳ ساله شناسایی می‌کردند.

کا **دیگر ارتباطاتن با آقای میردامادی قطع شد؟**
در جریان انقلاب ارتباطات صمیمانه‌ای داشتیم و گاهی همدیگر را می‌دیدیم.

کا **انتقالتان به غرب چگونه اتفاق افتاد؟**

من بحث جبهه داشتم و می‌خواستم به جنوب بروم. سال ۶۰ دیگر فشار آوردم که می‌خواهم به جبهه بروم. گفتند جنوب نیرو و کادر وجود دارد باید به غرب بروی که به کرمانشاه رفتیم. آنجا شهید بروجردی فرمانده ستاد غرب در استان‌های کرمانشاه، ایلام، همدان و کردستان بود. من مسئول اطلاعات آنجا شدم.

کا **قرارگاه حمزه را آنجا پایه‌گذاری کردید؟**

آنجا ما اطلاعات بودیم. من یک بچه ۲۰ ساله بودم. طرف‌های ما افسر باسابقه‌ای بودند که دوبرابر من کار کرده بودند. مقر ما کرمانشاه بود. با بررسی‌ای که من در منطقه کردم، متوجه شدم که رفتار دوگانه‌ای با ضدانقلاب داشتیم.

ادامه در صفحهٔ ۷

آینه دیروز

۹ سال پیش در چنین روزی

کیمنان

- احمدی‌نژاد: آمریکا و رژیم صهیونیستی در سراسیبهی سقوط قرار دارند
- توسط سفارت سوئیس در تهران تسلیم شد: چهارمین درخواست رسمی آمریکا برای مذاکره به ایران
- سخنگوی دولت: چاپ چک‌پول‌های بدون پشتوانه از عوامل افزایش نرخ تورم است
- تأکید چسین بر نقش محوری آژانس در حل موضوع هسته‌ای ایران
- وزیر نفت خبر داد: اساسنامه جدید چهار شرکت تابعه وزارت نفت در انتظار امضای رئیس‌جمهور
- وزیر انرژی ترکیه: آنکارا بی‌اعتنا به فشار آمریکا توافق‌نامه‌های بیشتری با ایران امضا می‌کند

انتقاد

- احمدی‌نژاد: سیاست قطعی ایران، توسعه روابط و همکاری‌ها با کشورهای آفریقایی است
- نایب‌رئیس مجلس: هدف ما ژاپن‌شدن نیست
- دفتر تحکیم وحدت: انجمن‌های اسلامی کارگاه دموکراسی است
- سفیر ایران در پاریس: ایران از نفت به عنوان سلاح سیاسی استفاده نمی‌کند
- وزارت خارجه روسیه تأکید کرد: گزارش آژانس نشان می‌دهد ایران در شفاف‌سازی فعالیت‌های گذشته‌اش پیشرفت حاصل کرده است
- درخواست صدراعظم آلمان برای کاهش روابط تجاری با ایران
- آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی: بعضا کسانی را ردصلاحیت می‌کنند که خود آن ردصلاحیت، باعث بداخلاقی‌های سیاسی از طرف گروه‌های مختلف در جامعه می‌شود

ایران

- احمدی‌نژاد در دیدار وزیر خارجه سوریه: کنفرانس پاییزی جز ضرر برای مردم فلسطین نتیجه‌ای ندارد
- وزیر خارجه از درخواست رسمی آمریکا برای گفت‌وگو با ایران درباره عراق خبر داد
- باینیه کشورهای عدم تعهد در حمایت از همکاری ایران با آژانس
- متکی در نامه‌ای به وزرای خارجه کشورهای جهان اعلام کرد: مذاکره از مسیر تهدید نمی‌گذرد
- چین: ایران شرایط همکاری با آژانس را فراهم کرده است
- سفیر ایران در بغداد: خواست صریح ما آزادی سریع زندانیان ایرانی در عراق است

آفتاب

- سخنگوی دولت: افزایش قیمت‌های جهانی از دلایل گرانی است
- محمود مدنی‌بجستانی، عضو فراکسیون اکثریت مجلس: متهم‌کردن دلسوزان انقلاب به براندازی خلاف فرمان مقام رهبری است
- دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام: با رفتار خود ثابت کنیم که اسلام قدرت اداره جامعه را دارد

- سخنگوی دولت: بخشی از گرانی‌های داخلی ناشی از گرانی جهانی است
- نماینده چین در سازمان ملل: تحریم‌ها نباید به زندگی روزمره ایرانیان آسیب برساند
- صدراعظم آلمان: روابط اقتصادی با ایران را کاهش داده‌ایم
- مخالفت دبیرکل شورای همکاری خلیج‌فارس با تشدید مسئله هسته‌ای ایران
- حدادعادل: مردم ایران از نهایی‌شدن خط انتقال گاز به پاکستان بسیار خوشحال هستند

جمهوری اسلامی

- با تصویب مجلس، دستگاه‌های دولتی مکلف به فروش خانه‌های سازمانی به کارکنان شدند
- متکی: ایران کماکان به تعهدات هسته‌ای خود پایبند است
- سخنگوی دولت: خرید بنزین مازاد کارت‌های سوخت شایعه است
- احمدی‌نژاد در دیدار وزیر خارجه سوریه: برپاکندندگان کنفرانس پاییزی به دنبال اتصال کشورهای عربی به رژیم صهیونیستی هستند
- احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی: چک‌کردن موبایل مردم توسط پلیس صحت ندارد
- قائم‌مقام رئیس کل بانک مرکزی: آثار اقدامات بانک مرکزی برای جلوگیری از افزایش نرخ تورم به‌زودی آشکار می‌شود

اطلاعات

- پرداخت تسهیلات به بنگاهای اقتصادی بدهکار به دستور احمدی‌نژاد
- متکی: سلاح‌های کشتار جمعی در دکتربن دفاعی ایران جایگاهی ندارد
- رئیس مجلس: ایران‌خواهان آرامش و ثبات در پاکستان است
- (رئیس دولت اصلاحات): نخستین قربانی کمبود بودجه، آموزش‌وپرورش است
- نامه رؤسای دانشگاه‌های ایران به دبیر کل سازمان ملل در حمایت از برنامه هسته‌ای